

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین؛ بسترها و ضرورت‌ها

علی باقری دولت‌آبادی^۱، جاسب نیکفر^۲، مهدی محمدی عزیزآبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۸

چکیده

بریتانیا در اواخر سال ۲۰۱۴ در حالی پس از ۴۳ سال با تأسیس پایگاه نظامی دریایی به بحرین بازگشت که منطقه خاورمیانه آستان تحولات و حوادثی چون مطالبه دموکراسی، ظهور گروه‌های تکفیری، جنگ، رقابت و الگوهای رفتاری مختلف است. لذا سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چه عواملی باعث این بازگشت و توجه مجدد انگلیس به بحرین شده است؟ فرضیه اصلی پژوهش، ضمن اذعان به تأثیرگذاری علل مختلف در اتخاذ تصمیم بریتانیا، آسیب‌پذیری امنیتی این کشور و بحرین طی سال‌های اخیر را به‌عنوان مهم‌ترین علل تأثیرگذار بر رفتار آنها می‌داند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که عللی همچون: ظهور داعش، جلوگیری از تغییر ژئوپلیتیک هویت به نفع شیعیان، نفت، حمایت از متحدان، اهمیت جغرافیای سیاسی و راهبردی بحرین، ایجاد امنیت نظامی - سیاسی در بحرین و در کل، تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه به نفع انگلیس، عوامل بازگشایی مجدد این پایگاه در بحرین هستند. برای انجام پژوهش، از نظریه واقع‌گرایی به عنوان چارچوب نظری استفاده شد. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

واژه‌های کلیدی: انگلیس، امنیت، منافع، بحرین، جمهوری اسلامی ایران

۱. نویسنده مسؤل: عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج، ایران abagheri@mail.yu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، ایران jnikfar@yu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، ایران azizabadi026@gmail.com

مقدمه

منطقه خلیج فارس از گذشته‌های دور پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ؛ به‌ویژه انگلستان بوده است. این توجه پس از وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان، اهمیتی چندجانبه یافت و به مرور زمان اهمیت خلیج فارس به سبب توسعه صنایع انگلیس برای فروش کالاهای صنعتی‌اش بیشتر شد. اهمیت این منطقه، به‌خصوص از نظر تجارت و حفظ هند باعث شد که انگلیسی‌ها در قرن هیجدهم کوشش خود را به این امر معطوف کنند که برای رسیدن به اهداف خود، از شکل گرفتن همکاری بین قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس جلوگیری و اوضاع منطقه را متشنج کنند. یکی از راه‌های متشنج کردن، ایجاد تفرقه و اختلاف بین قبایل ساکن خلیج فارس و نیز جلوگیری از اتحاد این قبایل با قدرت‌های بزرگ منطقه بود. این درحالی است که تحرکات و اقدامات انگلیس در خلیج فارس همواره مبتنی بر یک رشته علایق و اهداف ویژه منطقه‌ای بوده، نمودهای این اهمیت و جایگاه را می‌توان در موافقتنامه‌ها و همکاری‌های دوجانبه دفاعی، پایگاه‌های نظامی و قراردادهای امنیتی انگلیس با کشورهای این منطقه مشاهده کرد. تحولات و شرایط این منطقه در پی بهار عربی، فرصتی را برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای جهت بهره‌برداری از اوضاع نابسامان این کشورها در جهت منافع خود و اعمال سیاست‌های امنیتی و اقتصادی مورد نظر خود به وجود آورده است. صرف‌نظر از ریشه‌های این تحولات، باید به این موضوع اشاره کرد که همواره منطقه با مداخله قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای همراه بوده است. مداخلاتی که در اغلب موارد به تغییر مسیر تحولات و انحراف در جریان حوادث منجر شده است. در این میان، تحولات ۲۰۱۱ بحرین که پس از شروع بهار عربی در مناطق مختلف خاورمیانه صورت گرفت، پا به پای دیگر کشورها انجام شد. انقلاب‌های مردمی در کشورهایی مانند تونس، مصر، لیبی و یمن نتیجه داد؛ اما به دلایل مختلف این تحولات در بحرین به سرانجام نرسیده و هنوز در حال جریان است؛ اما خبری که در گرماگرم تحولات منطقه

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۳۱

یک بار دیگر نگاه‌ها را متوجه بحرین ساخته است، تصمیم انگلیس برای بازگشت به این کشور و بازسازی پایگاه دریایی‌اش است. این خبر را فیلیپ هاموند، وزیر امور خارجه بریتانیا، در ۶ دسامبر ۲۰۱۴ و در دهمین کنفرانس بین‌المللی امنیتی منامه اعلام کرد. به این ترتیب، توافقنامه‌ای میان هاموند و شیخ خالد بن احمد، همتای بحرینی وی امضا شد، که پایگاه دائمی دریایی با هزینه‌ای در حدود ۱۶ میلیون پوند در «مینا السلمان» ساخته شود. بخش اعظم این هزینه به‌وسیله بحرین پرداخت خواهد شد و بریتانیا تنها هزینه‌های جاری آن را تأمین می‌کند. به گفته مقام‌های دفاعی بریتانیایی، این پایگاه شامل اسکله‌ای برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ، انبار تجهیزات و بخش مسکونی برای پرسنل نظامی است. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چه عواملی باعث این بازگشت و توجه مجدد انگلیس به بحرین و منطقه خلیج فارس شده است؟ فرضیه اصلی پژوهش، ضمن اذعان به تأثیرگذاری علل مختلف در اتخاذ تصمیم بریتانیا، آسیب‌پذیری امنیتی این کشور و بحرین طی سال‌های اخیر را به‌عنوان مهم‌ترین علل تأثیرگذار بر رفتار آنها می‌داند. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۱- چارچوب نظری: رئالیسم

تأمین امنیت شهروندان و حفظ نظام سیاسی، همواره یکی از نگرانی‌های جدی دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل بوده است. از میان نظریه‌های روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی و زیرشاخه‌های آن، بیشترین توجه را معطوف به این بحث ساخته‌اند. درخصوص نظریه واقع‌گرایی باید اذعان داشت این نظریه دیدگاه مسلط در رشته روابط بین‌الملل و مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل است. به باور بسیاری، این نظریه در اندیشه و فلسفه مورخان و فیلسوفان مغرب‌زمین، مانند توسیدید، ماکیاولی، و هابز ریشه دارد و پس از جنگ جهانی دوم به صورت منظم توسط «هانس مورگنتا» در حوزه روابط بین‌الملل ارائه

شده است (باقری و شفيعی، ۱۳۹۳: ۳۵). واقع‌گرایان شأن کنشگری برای دولت‌ها قائل هستند و آنها را واحدهایی یکپارچه و خردورز تلقی می‌کنند که همانند یک انسان می‌اندیشند، تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند (بیلیس، ۱۳۸۳: ۳۲۵). به باور واقع‌گراها، انسان‌ها بدذات هستند و خشونت و منازعه در سرشت آنها امری طبیعی و غریزی است. پس کشورها نیز چون انسان‌ها پیوسته در پی جنگ و خشونت و مهم‌ترین هدفشان بقا و ادامه حیات است. کشورها حتی از افراد نیز بیشتر احساس ناامنی می‌کنند؛ چون در نظامی قرار دارند که فاقد هرگونه مرجع و اقتدار مرکزی مشروع برای جلوگیری از زور و خشونت است. در چنین وضعیتی، کشورها ارجحیتی بالاتر از امنیت و قدرت ندارند. در نتیجه، قدرت‌طلبی امری طبیعی در روابط بین‌الملل است و قدرت مفهوم اصلی در تفکر رئالیستی و هدف اصلی رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد. این افزایش قدرت از راه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... قابل حصول است. به همین خاطر، واقع‌گراها بر توسعه‌طلبی ارضی؛ به‌ویژه دستیابی به سرزمین‌هایی که دارای اهمیت ژئوپلیتیک هستند تأکید می‌کنند. این کار به افزایش قدرت خودیاری آنها کمک خواهد کرد. بر اساس اصل خودیاری، برای بقای خویش به هیچ وجه نمی‌توان به حمایت دولت دیگر متکی بود. ساختار نظام بین‌الملل اجازه دوستی را نمی‌دهد. همکاری نیز تنها زمانی که منافع ملی و مصالح قدرت ایجاب می‌کند، ممکن است (قوام، ۱۳۸۰: ۳۶۰). به عبارت دیگر، نزد واقع‌گراها همکاری تا زمانی که به کسب دستاوردهای نسبی نسبت به رقیب بینجامد، قابل پذیرش خواهد بود و از هرگونه امید برای رسیدن به سود مطلق در پایان همکاری باید چشم پوشی نمود.

بر همین اساس، یکی از استثناهایی که درخصوص شکل گرفتن همکاری در نظریه واقع‌گرایی وجود دارد، وجود دشمن مشترک و منافع مشترک است. به عبارت دیگر، تا زمانی که بازیگر «الف» برای تامین امنیت خود در برابر بازیگر «ب»، به بازیگر «ج» نیاز

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۳۳

دارد، اتحاد میان بازیگر «الف» و «ج» برقرار خواهد بود. این نکته حتی از سوی نظریه پردازان مکتب انگلیسی که می‌کوشند موضعی بین واقعگرایی و لیبرالیسم اتخاذ کنند نیز تایید شده است؛ به گونه‌ای که مارتین وایت تصریح می‌کند که کارکرد اتحادها تحکیم امنیت متحدان و ارتقای منافع آنان در جهان بیرونی است (Wight, 1987: 122). جورج لیسکا نیز بر این باور است که دولت‌ها به علت ناتوانی در رویارویی با دشمنان نیرومند تصمیم می‌گیرند با دولت‌های دیگری که وضعیت مشابه با آنان دارند، تشریک مساعی کنند تا بدین ترتیب، توان آنها برای مقابله با تهدیدات افزایش پیدا کند (Liska, 1962: 13). اگرچه اساس و منطق این بحث در دیدگاه‌های مورگنتا و نظریه موازنه قدرت است (Morgenthau, 1985)؛ اما نظریه پردازان متأخر نظیر استفان والت، «موازنه تهدید» را جایگزین موازنه قدرت ساخته‌اند (Walt, 1987: 263).

بر همین اساس، می‌توان گفت طبق منطق واقعگرایی از منظر رهبران انگلیس، این کشور در دوران جدید، برای آنکه همچنان بتواند یک قدرت تأثیرگذار در معادلات جهانی باشد، ناگزیر است با کشورهایی که با آنها دارای منافع مشترک یا هدف‌های امنیتی مشترک است، وارد تعامل و همکاری اقتصادی و نظامی شود؛ به طوری که در ارتباط با موضوع‌های امنیتی نیز تأکید اصلی راهبرد بریتانیا بر اساس سند روندهای راهبردی این کشور که در مارس ۲۰۰۳ تنظیم شده، بر استفاده از نیروهای مسلح به همراه ناتو یا سایر ائتلاف‌هاست؛ ضمن آنکه به این نکته اشاره می‌شود که در برخی موقعیت‌ها فقط باید از قابلیت‌های خود کشور برای پاسخگویی استفاده کرد (مرکز دکترین و تدابیر مشترک انگلستان، ۲۰۰۳). در طرف مقابل، بحرین نیز به علت وسعت کم و آسیب‌پذیری امنیتی و نیز پایین بودن توان نظامی برای مقابله با هرگونه تهدید خارجی، نیازمند متحدان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. واگذاری پایگاه نظامی به بریتانیا می‌تواند منامه را به حمایت نظامی لندن در برابر هرگونه تهدید خارجی امیدوار کند؛ لذا این دولت در مقطع زمانی که

مشروعیت داخلی کشورش از سوی معترضان شیعه زیر سؤال رفته است، برای تداوم حکومت، سرکوب مخالفان و مقابله با معترضان به نظام سیاسی خود به متحدان نظامی نیاز دارد. این دقیقاً همان نکته‌ای است که از سوی مایکل بارنت و جک لوی برای ایجاد یک رابطه استراتژیک بین دو بازیگر ذکر شده است. به عقیده وی، یکی از طرفین - در اینجا دولت ضعیف‌تر - باید نیاز به متحد خارجی برای تأمین امنیت داخلی خود داشته باشد و با بحران مشروعیت روبه‌رو باشد (Barnett & Levy, 1992: 19-40).

۲- سابقه حضور انگلیس در منطقه خلیج فارس

خلیج فارس از گذشته دور همواره مطمح نظر و توجه استعمارگرانه قدرت‌های بزرگ اروپایی؛ به‌ویژه امپراتوری بریتانیا بوده است. تاریخچه آغاز دخالت انگلیس در خلیج فارس از سال ۱۶۱۶م و با گرفتن پایگاه تجاری در بندر جاسک شروع شد و تا اواخر قرن هیجدهم میلادی فعالیت آنها شدت بیشتری گرفت و از جنبه‌های اقتصادی به سوی منافع سیاسی در خلیج فارس روی آورد. این منافع جدید، تماماً در اطراف تأمین نیازمندی‌های دفاعی حکومت هند و امپراتوری انگلیس در خلیج فارس دور می‌زد و بر همین اساس، به تدریج دولت انگلیس و شرکت هند شرقی در امور سیاسی اعراب دخالت نمودند (شورمیچ، ۱۳۸۹: ۸۸). آنان در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند. احداث پایگاه نظامی، نظارت بر رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس و آبراه هرمز، تأسیس کنسولگری و تعیین نمایندگان سیاسی، ایجاد تجارتخانه، قبضه بنادر و گمرکات و گماردن مأموران بومی مزدور، انعقاد قرارداد با شیوخ محلی، راه‌اندازی سرویس‌های اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی، اختلاف افکنی میان سران قبایل، عشایر و حکمرانان نواحی و ... تنها بخشی از اقدامات پیش‌برنده آنان را شامل می‌شد (جزء محمدپور، ۱۳۸۵: ۱۵). در سال ۱۸۱۹ کاپیتان بروس، فرمانده ناوگان انگلیس در خلیج فارس، قراردادی با حسنعلی میرزا

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۳۵

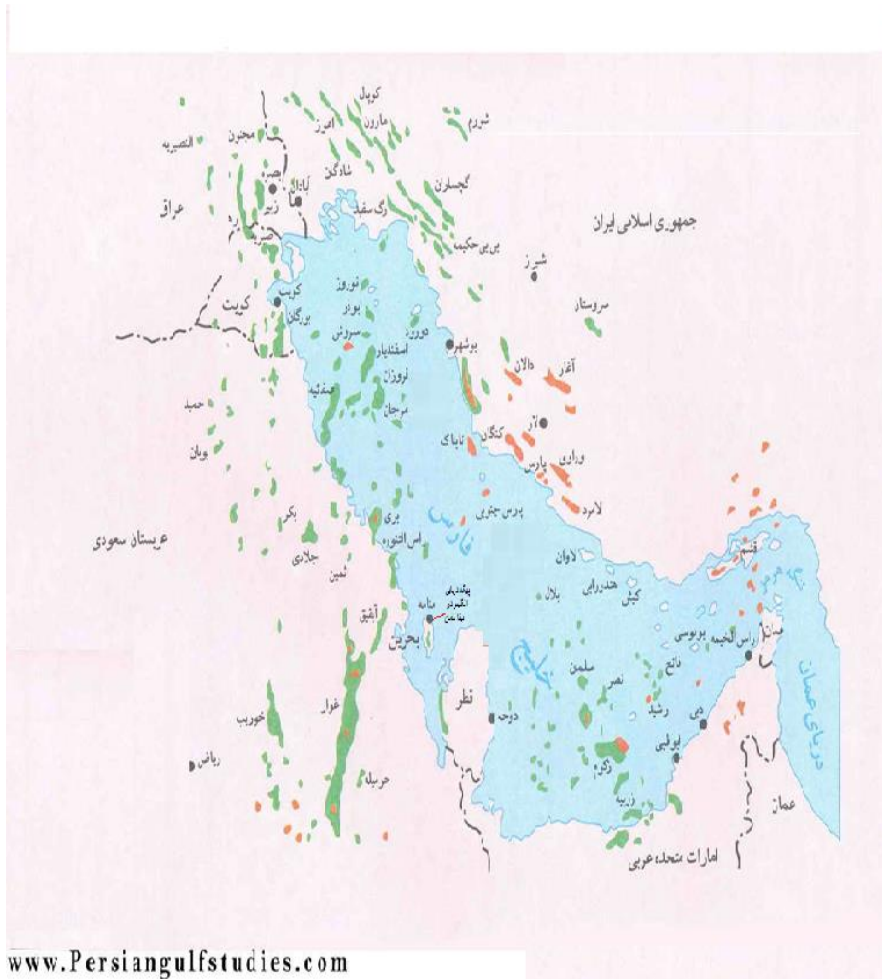
والی فارس امضا کرد؛ که بر اساس آن تا هنگامی که دولت ایران امکانات تأمین امنیت و حفاظت از خلیج فارس را ندارد، این مسئولیت برعهده انگلستان خواهد بود. در دسامبر ۱۸۱۹، انگلستان برای جلوگیری از کار دزدی دریایی که در سواحل جنوبی خلیج فارس مستقر بودند، سواحل خلیج فارس را ذیل قراردادی موسوم به قرارداد صلح عمومی یا قرارداد اساسی درآورد. پس از اینکه انگلیسی‌ها توانستند به تدریج جای پای خود را در منطقه و کشور بحرین محکم کنند، در سال ۱۸۶۱ میلادی و بدون توجه به اعتراضات مکرر ایران، شیخ بحرین را وادار به امضای قراردادی نمودند که ضمن اعلام استقلال بحرین، این جزیره را مانند سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس تحت‌الحمایه انگلیس قرار داد (بایرامی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹). به موجب این پیمان، دولت بریتانیا در مقابل تعرضات خارجی از جانب ایران و عثمانی، از بحرین حمایت می‌کرد و در عوض نسبت به دولت‌های دیگر اختیاردار مطلق آنجا شد (منسفیلد، ۱۳۸۵: ۱۸۵). دولت انگلستان در این مقطع زمانی یک پایگاه دریایی در بحرین احداث نمود. همچنین، انگلستان در بحرین پایگاه مهم دریایی «الجفیر» را در سال ۱۹۳۵ تاسیس کرد و تا سال ۱۹۷۱ در آن مستقر بود. در دسامبر ۱۹۷۱ یعنی چهار ماه پس از جدایی بحرین از ایران به دنبال موافقتنامه‌ای بین سفارت آمریکا و رژیم بحرین، این پایگاه با امتیاز استفاده از کلیه تسهیلات بندرگاه الجفیر، فرودگاه و بندر سلمان و سایر تسهیلات بندری در مقابل ۲۵ میلیون لیره استرلینگ به آمریکا واگذار شد (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۹). تسلط بریتانیا بر خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ میلادی ادامه داشت. در این سال، بریتانیا به دلیل مشکلات مالی و ناتوانی از تأمین هزینه‌های گسترده نظامی، نیروهای خود را از خلیج فارس بیرون برد و تأمین امنیت منطقه را به آمریکا واگذار کرد (Onley, 2005: 38).

۳- علل بازگشایی مجدد پایگاه دریایی انگلیس در بحرین

در این پژوهش از پنج عامل، موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک بحرین، نفت و منافع تجاری، فعالیت گروه دولت اسلامی، فشار بر ایران و ایجاد امنیت سیاسی و جلوگیری از قدرت گیری معترضان در بحرین به‌عنوان مهم‌ترین دلایل حضور مجدد انگلیس در بحرین و ایجاد پایگاه دریایی در این کشور یاد شده است که توضیح آن به قرار زیر است:

۳-۱. **موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک بحرین:** طبق نظریه واقع‌گرایی، یکی از راه‌های افزایش قدرت کسب سرزمین‌های جدید یا حضور در مناطق دارای اهمیت ژئوپلتیک است. خلیج فارس از جمله مناطقی است که از دیرباز عرصه رقابت ژئوپلتیک گسترده‌ای میان کشورهای ساحلی و نیز قدرت‌های بزرگ جهانی و یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل مناسبات ژئوپلتیک و بین‌المللی بوده است. در کل، دلایل حضور قدرت‌های خارجی در خلیج فارس عوامی مختلفی دارد: ۱- اهمیت استراتژیک، ارتباطی و تجاری؛ ۲- وجود منابع عظیم ثروت؛ ۳- ارتباط با آبراه‌های بزرگ بین‌المللی؛ ۴- وجود منابع عظیم هیدروکربن در منطقه؛ ۵- ارتباط با سیاست‌های جهانی. خلیج فارس به دلایل ذکر شده همواره در مرکز سیاست‌های جهانی قرار داشته و هیچ‌گاه از ارزیابی قدرت‌های بزرگ و ذی‌نفع به دورنمانده است (احمدوند، ۱۳۷۲: ۹۲). در این میان، بحرین با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک که به صورت جزیره‌ای در خلیج فارس واقع شده است، همواره از سوی قدرت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که پس از حمله عراق به کویت و به‌خطر افتادن منافع آمریکا در خاورمیانه، آمریکایی‌ها از این کشور به‌عنوان پایگاهی برای پشتیبانی جنگنده‌های آمریکایی که برای عقب نشانیدن نیروهای عراقی از کویت راهی منطقه شده بودند، بهره بردند.

نقشه ۱: موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بحرین



نوآم چامسکی، اهمیت بحرین را برخاسته از دو عامل می‌داند: بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ اما عدم برخورداری بحرین از یک سیستم دفاعی نیرومند و احساس ضعف در این مورد، این کشور را به قدرت‌های دیگر، به‌خصوص آمریکا و عربستان متمایل ساخته است. حضور

ناوگان پنجم آمریکا در بحرین، نزدیکی جغرافیایی بحرین با ایران و مطیع بودن حاکمان سنی این کشور، به روابط بسیار نزدیک آمریکا با بحرین منجر شده است و همواره نظام حاکم در بحرین یکی از متحدان آمریکا در منطقه به‌شمار می‌رود و هرگونه تغییری در این ناحیه می‌تواند منافع آمریکا و متحدانش را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

حضور بحرین در میان دو کشور بزرگ جهان اسلام (ایران و عربستان) به این کشور جایگاه ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک مهمی بخشیده است. از طرفی، بحرین با واقع شدن در قلب کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس، مکان مناسبی برای جذب پول‌های به‌دست آمده از فروش نفت به شبکه‌های بین‌المللی بانکی و پولی بوده و هست و مرکز سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه به‌شمار می‌رود. همچنین، موقعیت بحرین با ایجاد پل ارتباطی بین این کشور و عربستان سعودی که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد، تقویت شده، احداث این پل نقش مؤثری در زمینه‌های مختلف؛ به‌خصوص سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای بحرین ایفا کرده است (Jareer et al, 2013: 17).

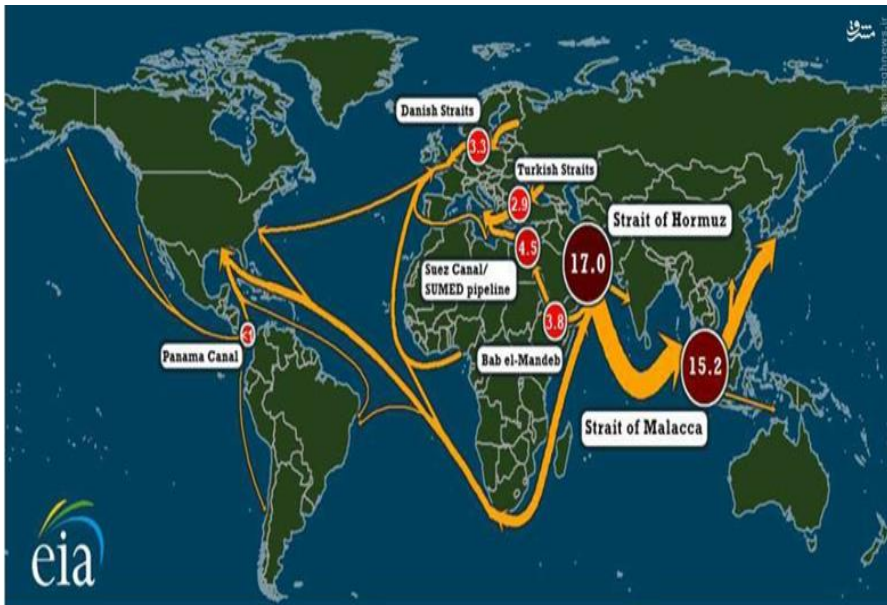
۲-۳. نفت و منافع تجاری: همان‌گونه که در چارچوب نظری توضیح داده شد، همکاری از نظر واقع‌گراها زمانی قابل پذیرش خواهد بود که متأثر از این همکاری دستاورد نسبی یکی از بازیگران بیش از دیگری باشد؛ در غیر این صورت، به علت ترس از وابستگی در بلندمدت یا فریب، همکاری ممکن است قطع شود. در روابط انگلستان و بحرین سود و مزیتی که از ایجاد پایگاه دریایی برای انگلستان حاصل می‌شود، به‌مراتب بیش از سود بحرین است؛ چرا که این همکاری می‌تواند دسترسی این کشور به منبع انرژی در خلیج فارس و تأمین امنیت آن برای حیات طولانی مدت انگلستان را تضمین نماید. این مسأله زمانی روشن‌تر خواهد شد که در نظر داشته باشیم انرژی تأثیر مستقیم بر رشد اقتصاد و به

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۳۹

تبع آن رفاه و امنیت ملی کشورها دارد و لذا دستیابی به انرژی مطمئن و مستمر جزو منافع حیاتی قدرت‌ها به‌شمار می‌رود. از سویی دیگر، نقش انرژی در ساختار امنیتی خلیج فارس نیز غیرقابل چشم‌پوشی است. نفت در ثبات سیاسی، رفاه اقتصادی و نهایتاً بقای کشورهای خلیج فارس نقش کلیدی ایفا می‌کند (شیرازی و آخوند مهریزی، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

طبق پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، هم‌اکنون روزانه ۲۴ میلیون بشکه از ۸۰ میلیون بشکه نفت مصرفی بازارهای جهانی، از منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز عبور داده می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد که حداقل تا ۲۰ سال آینده، منطقه خلیج فارس همچنان قطب انرژی جهان خواهد بود (گراوند، ۱۳۹۴). به همین دلیل، امنیت جریان انرژی نیز مسأله مهمی است که حفظ امنیت دریایی در آب‌های خلیج فارس، تنگه هرمز و اقیانوس هند را برای بریتانیا ضروری می‌سازد.

نقشه ۲: اهمیت استراتژیک جهانی صادرات نفت خلیج فارس



Reference: <http://www.mashregnews.ir/fa/news>

این مسأله از سوی مقامات بریتانیایی نیز بارها تکرار شده است. فالون، وزیر دفاع بریتانیا، از جمله این مقامات است که در این باره می‌گوید:

خلیج فارس منطقه بسیار مهمی برای ما محسوب می‌شود. ما دارای منافع تجاری و البته سیاسی در این ناحیه هستیم. تهدیدهایی نیز در این منطقه وجود دارند که به طور مستقیم ما را به چالش می‌گیرند و بر امنیت ما تأثیر می‌گذارند (به نقل از: ندیمی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳).

دستیابی به انرژی برای کشورهای صنعتی تا آنجا اهمیت دارد که مقامات بریتانیا اذعان می‌کنند که کنترل و جریان مداوم نفت، یکی از اساسی‌ترین عوامل پیروزی بریتانیا و هم‌پیمانان آن در جنگ جهانی اول و دوم بوده است؛ برای نمونه، چرچیل در مجلس عوام انگلیس چنین اظهار می‌کند:

شکی نیست که اگر متفقین توانستند کشتی را به ساحل پیروزی برسانند، به خاطر جریان پیوسته نفت بود. اهمیت نفت ایران برای بریتانیا چنان بود که حیات ما به آن وابسته بود (به نقل از: رئیس طوسی، ۱۳۶۳: ۲۹).

آژانس بین‌المللی انرژی برآورد کرده که میزان وابستگی جهان به نفت خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. بر اساس برآورد این آژانس، ۲۹ میلیون بشکه (۹۴ درصد) از کل ۳۱ میلیون بشکه تولید منطقه خاورمیانه در روز، به کشورهای عضو سازمان اوپک تعلق دارد. صدور نفت به کشورهای صنعتی تقریباً ۶۵ درصد از کل صادرات نفت اوپک و ۵۸ درصد از کل صادرات کشورهای منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌داد (مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک، ۱۳۹۳). پیش‌بینی می‌شود که بیش از نیمی از این افزایش را کشورهای منطقه خلیج فارس تأمین کنند. با کاهش تولید نفت دریای شمال ممکن است اروپای غربی میزان واردات نفت خود از منطقه خلیج فارس و کشورهای عضو اوپک در شمال و غرب آفریقا را افزایش دهد؛ برای مثال، حدود ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۴۱

از تنگه هرمز می‌گذرد و برآوردهای آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده و آژانس بین‌المللی انرژی گویای آن است که این میزان تا سال ۲۰۳۰-۲۰۲۵ به حدود ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت. بر اساس پیش‌بینی‌های آژانس بین‌المللی انرژی، صادرات نفت خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ به ۴۶ میلیون بشکه در روز، معادل دو سوم کل صادرات نفت جهان، خواهد بود (مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک، ۱۳۹۳). همچنین، انگلستان تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در این منطقه را به‌عنوان یک فاکتور کلیدی در بازسازی و تقویت اقتصاد نابسامانش قلمداد می‌کند. دولت و پارلمان انگلیس منابع متنوع را به‌عنوان کلید امنیت انرژی بریتانیا تلقی می‌کنند که به همین علت برای افزایش سطح واردات انرژی خود، با کشورهای حوزه خلیج فارس موافقتنامه‌های دوجانبه امضا کرده‌اند. برآورد شده است که حدود یک سوم ذخایر هیدروکربن موجود، در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد که بریتانیا برای بهره‌برداری از آن سرمایه‌گذاری می‌کند (Etchells, 2012).

۳-۳. فعالیت گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش): براساس آنچه در نظریه رئالیسم مطرح شد، باید گفت نگاه آمریکا و انگلیس به تحولات منطقه اساساً نگاهی امنیتی است. لذا رفتارهای آنها را در قالب خودیاری می‌توان تفسیر نمود. از منظر آنها ناآرامی‌های اخیر، زمینه را برای رشد افراط‌گرایی و به قدرت رسیدن عناصر متعارض با منافع غرب در منطقه خاورمیانه فراهم می‌آورد. از این رو، کوشش می‌کنند از طریق مدیریت صحنه، از روی کار آمدن جریان‌هایی که می‌توانند منافع و امنیت ملی این کشورها را در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا به‌مخاطره اندازند، جلوگیری کنند (منفرد، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲). به همین علت، شاهد آن هستیم که ترزا می، وزیر کشور انگلیس، داعش را جدی‌ترین تهدید علیه امنیت ملی انگلستان پس از ۱۱ سپتامبر خواند (نیکو، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). همچنین، فالون وزیر دفاع انگلیس اذعان کرده که:

به لحاظ قانونی مانعی برای عملیات ما علیه داعش نیست. این غیرمنطقی است که نیروهای انگلیس تنها ناظر بر مرزهای سوریه و عراق باشند؛ درحالی که این گروه تروریستی آزادانه میان این دو کشور در حرکت است.

گسترش دامنه حملات هوایی این کشور علیه داعش، متعاقب کشته شدن ۳۸ نفر از گردشگران انگلیسی در حادثه تروریستی تونس، نمونه بارز این مسأله است (امیری، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴). دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس نیز پس از برگزاری چهارمین نشست اضطراری کابینه انگلیس موسوم به «کبری» درباره حادثه تروریستی در تونس، در گفتگویی خبری، اعلام کرد:

داعش تهدیدی جدی علیه غرب به شمار می‌آید و اعضای آن در عراق و سوریه توطئه حملات وحشتناک تروریستی در خاک انگلیس را برنامه‌ریزی کرده‌اند» (به نقل از: زمانی، خبرگزاری آفتاب، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد مقامات انگلیس بیشتر به دنبال جلوگیری از کشیده شدن پای تروریست‌های داعش به خاک این کشور هستند تا جلوی تکرار حملات تروریستی را که در مترو لندن در جولای ۲۰۰۵ به کشته شدن ۵۲ نفر انجامید، بگیرند (فتحی، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳). همچنین، ادامه پیشروی‌های داعش در منطقه می‌تواند تهدیدی برای متحدان انگلیس از جمله بحرین به شمار آید. اکثریت جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و از آنجا که شیعه ستیزی یکی از ارکان اصلی تبلیغات و فعالیت‌های داعش است، انتظار اینکه دیر یا زود داعش به سراغ بحرین برود، غیرمنطقی نخواهد بود. به همین علت، دولت منامه در قالب پیمان نظامی با بریتانیا و بازگشت این کشور به پایگاه دریایی اش، به دنبال دور ساختن تهدید بی‌ثباتی و ناامنی از خاک بحرین است. پایگاه دریایی انگلیس در بحرین می‌تواند به مکانی برای انجام عملیات هوایی و در صورت لزوم پرتاب موشک به خاک عراق یا سوریه برای ضربه زدن به داعش استفاده شود.

نقشه ۳: مناطق تحت تصرف داعش



(Reference: <http://www.yjc.ir/fa/news/4974301>)

مطابق توافق میان لندن و منامه، نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا به‌طور دائم در بحرین مستقر خواهد شد. توافق با بحرین را می‌توان نشان‌دهنده چرخش استراتژیک بریتانیا دانست. این اقدام در زمانی صورت می‌گیرد که ایالات متحده، بریتانیا و دیگر متحدانشان در تلاش هستند تا گروه داعش را از مناطقی که در سوریه و عراق تصرف کرده‌اند، عقب برانند. بر این اساس، می‌توان مدعی شد وضعیت بد امنیتی در عراق و سوریه و پیشروی گروه دولت اسلامی، به نوعی بریتانیا را در تصمیم خود برای حضور نظامی دائمی در خاورمیانه و به‌طور خاص بحرین تشویق کرده است. این نکته‌ای است که سِر جرمی گرین‌استاک، سفیر پیشین بریتانیا در سازمان ملل متحد، نیز بر آن تأکید کرده است (Dickinson, 2015). همچنین، فالون وزیر دفاع بریتانیا از قصد بریتانیا برای آموزش اعضای گروه مخالفان سوریه که در حال مبارزه با گروه دولت اسلامی هستند و نیز شدت

گرفتن حمایت هوایی خود از نیروهای عراقی برای مبارزه با این گروه خبر داده است. وی در سفر خود به ریاض گفت:

بریتانیا برنامه‌ای برای گسترش امکانات نیروی دفاعی بحرین در بندر مینا سلمان دارد و همچنین، بریتانیا به متحدان خود در خلیج برای مقابله سریع‌تر با تهدیدات امنیتی منطقه‌ای کمک خواهد کرد. برنامه تقویت حضور نظامی بریتانیا در منطقه برای دخالت خود در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با دولت اسلامی عراق و سوریه در منطقه است (AI- (Haqbani, 2015).

اما اظهارات مقامات بحرینی درباره این توافقنامه نشان می‌دهد که نگرانی آنها بیش از آنکه برای داعش باشد، برای تنگه هرمز است؛ چرا که یکی از مقامات بحرین پیش از امضای توافقنامه، گفته است که مبارزه با داعش طولانی مدت نخواهد بود؛ ولی مهم‌ترین مسأله‌ای که تهدید همیشگی برای منطقه است، بستن تنگه هرمز است و آن چالشی برای اختلال امنیت منطقه خلیجی است که منبع اصلی انرژی جهانی شرق و غرب به شمار می‌آید (Kazemzadeh, 2014). البته، درخصوص اینکه آیا قصد انگلیس واقعا مبارزه با داعش است، شک و شبهه‌های بسیاری وجود دارد. به همین علت، بسیاری از تحلیلگران سیاسی این مسأله را سرپوشی برای پیگیری منافع جدی‌تر انگلیس همچون نفت می‌دانند (نیول، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳).

۳-۴. **اعمال فشار بر ایران:** با نگاهی واقع‌بینانه به ایجاد پایگاه دریایی انگلیس در خلیج فارس، درخواهیم یافت که یکی از دلایل اصلی حضور انگلیس در این منطقه، مهار قدرت رو به رشد ایران است. این پایگاه دریایی در خلیج فارس می‌تواند بار دیگر فشارهای محیطی بر ایران را افزایش دهد و همچنان این منطقه را بر الگوهای بیرونی نظم متکی کند؛ امری که هیچ‌گاه مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران نبوده است. انگلیس از قرن ۱۶ میلادی وارد خلیج فارس شد و طی این سال‌ها به جز مقاطع زمانی کوتاهی، راهبرد انگلیسی‌ها

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۴۵

همواره در تضاد با منافع ایران در این منطقه بوده است. این تضاد از زمینه‌چینی برای جدایی شیخ نشین‌های جنوبی خلیج فارس از ایران در دوره قاجارها شروع شد و تا همین اواخر و بحث بهار عربی در منطقه تداوم یافته است. یکی از کشورهای که متأثر از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ دستخوش ناآرامی و شورش شد، بحرین بود. بحرین از سال ۱۳۵۷ تاکنون پیوسته ایران را متهم به دخالت در امور داخلی و حمایت از مخالفان خود نموده است. در جریان ناآرامی‌های سال‌های گذشته نیز پیوسته انگشت اتهام این کشور به سوی ایران بوده است. به همین علت، دولت منامه کوشید تا در سرکوب معترضان داخلی از حضور نظامی نیروهای عربستانی بهره گیرد؛ زیرا عربستان علاوه بر اینکه در رقابت منطقه‌ای با ایران قرار دارد، نگران این مسأله است که ناآرامی‌های مناطق شیعه‌نشین بحرین ممکن است به داخل این سرزمین نیز سرایت کند (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). این درحالی است که سیاست ایران در بحرین با سایر نقاط جهان عرب متفاوت است که مبتنی بر ترکیبی از مسائل مربوط به منافع و ارزش‌هاست. از نظر ایران حضور نیروهای سعودی در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس صورت گرفته است (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

دولت بریتانیا و بحرین هر دو نگران این مسأله هستند که با شکل گرفتن توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ و رفع تحریم‌ها، زمینه برای افزایش فعالیت‌های منطقه‌ای ایران فراهم گردد. به همین منظور، حضور مجدد خود را عاملی برای مهار ایران در منطقه و تحرکات این کشور تصور می‌کنند. این مسأله علاوه بر اینکه در سفر وزیر امور خارجه انگلیس به عربستان پس از حصول توافق هسته‌ای نمود عینی یافت، در اظهارات ریچارد بیکن، نماینده حزب محافظه‌کار پارلمان انگلیس، نیز قابل رهگیری است. وی در مورد توجه و علت تأسیس پایگاه نظامی دریایی انگلیس در بحرین، گفت: به نظر من برای

دستیابی به یک امنیت پایدار در خلیج فارس باید میان ایران، عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس همکاری نزدیکی به وجود آید. دولت انگلیس نیز به منظور رسیدن به همین هدف، این پایگاه نظامی دریایی را در بحرین راه‌اندازی کرده است (Bunkall, 2014).

۳-۵. ایجاد امنیت سیاسی و جلوگیری از قدرت‌گیری معترضان در بحرین: همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری توضیح داده شد، بحران مشروعیت یکی از مواردی است که دولت‌ها را به سمت متحدان خارجی سوق می‌دهد. بحرین از جمله کشورهایی است که پس از بروز بهار عربی در منطقه، پیوسته ناامنی ناشی از بحران مشروعیت را تجربه کرده است. برای سرپوش گذاشتن بر خواسته‌های معترضان و سرکوب آنها نیاز به متحدان خارجی امری ضروری است. همین امر زمینه نزدیکی سیاست‌های بحرین و انگلیس را فراهم ساخته است؛ زیرا انگلیس به‌عنوان قدرتی فرامنطقه‌ای، به دلیل داشتن منافع استراتژیک در بحرین، پذیرای تغییرات دموکراتیک و انتقال قدرت به معترضان نیست. شواهد موجود نشان می‌دهد که سیاست خارجی انگلیس در قبال بحرین، حول محور دفاع از دولت این کشور در قبال معترضان است. دولت‌های رانتیر همچون بحرین، در قالب نظام‌های پادشاهی در خلیج فارس برای تداوم حکومت‌های اقتدارگرایانه خود علاوه بر نفت و خرید تسلیحات، بیشتر از همه چیز به حمایت‌های خارجی تکیه می‌کنند و این مسأله باعث استقلال بیشتر آنها از ملت‌هایشان می‌شود. در این وضعیت دولت‌های منطقه بیش از هر زمان دیگر امنیت خود را به پایگاه‌های نظامی کشورهای خارجی گره می‌زنند و نیازی به پاسخگویی، شفافیت، دموکراسی، احترام به افکار عمومی و... نمی‌بینند. در این چارچوب، آنچه اهمیت می‌یابد، ضرورت حفظ سیستم‌های سیاسی کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی خارجی است و امنیت دولت بر آزادی، خودشکوفایی و امنیت اجتماعی ترجیح داده می‌شود و این به معنای خداحافظی با شاخص‌های امنیت انسانی است (Charlotte, 2013: 411-12).

شیعیان و معارضان بحرینی بیش از ۷۰ درصد جمعیت این مروارید خلیج فارس را در اختیار دارند. آنها چهار سال است در حال اعتراض به سیاست‌های آل خلیفه هستند و خواستار کشوری آزاد با اولویت جمهوری و دموکراسی در این کشور هستند. سرکوب شدید معارضان توسط نیروهای آل خلیفه سبب شد که شورای حقوق بشر سازمان ملل به این روندها اعتراض کند و کشتار و مجروحیت در این کشور را با مبانی اولیه حقوق بشر در جهان سازگار نداند (پورطالب، سایت تحلیل ایران، ۱۳۹۳). رژیم بحرین امیدوار است با اجازه احداث پایگاه‌های نظامی غربی اعتراضات مبنی بر نبود مشروعیت داخلی‌اش را کنترل کند؛ چون انگلیس از جمله کشورهای غربی است که با وجود سرکوبگری رژیم بحرین و عملکرد ضعیف منامه در زمینه حقوق بشر، نه تنها روابط خود را با این کشور محدود نکرده؛ بلکه به حمایت‌های خود از بحرین نیز ادامه داده و آن را تقویت کرده است. همین امر موجب شده تا دولت انگلیس از سوی بسیاری از نهادهای حقوق بشری مورد انتقاد قرار گیرد (Johnston, 2014). مرکز حقوق بشر بحرین با بیان اینکه انگلیس از سال ۲۰۱۱ به بعد بیش از ۵ هزار تفنگ به بحرین فروخته است، از لندن خواست به فروش سلاح به بحرین پایان دهد؛ زیرا منامه از این سلاح در سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم استفاده می‌کند (مرکز حقوق بشر بحرین، ۱۳۹۳). علی‌رغم کشتارهای گسترده مردم توسط حکومت بحرین، بحث نقض حقوق بشر هرگز به ابزاری برای اعمال فشار به رهبران این کشور تبدیل نشد؛ حتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با وجود اعمال نظارت و ارائه گزارش‌های سالانه ادواری درخصوص موارد نقض حقوق بشر در بحرین، پیگیری مؤثری نزد مجامع بین‌المللی نداشته است (میرزایی و صدری، ۱۳۹۳: ۱۱۷). در مقابل، لندن پذیرای برخی از رهبران اقتدارگرای بحرین در جریان تحولات اخیر شد. از جمله دیدار شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه، ولیعهد بحرین با نخست‌وزیر انگلیس که حاکی از آن است که میان سیاست خارجی انگلیس و حمایت از حقوق بشر، تناقض و ناهماهنگی

وجود دارد. همچنین، کشورهای غربی از دیرباز در صادرات اسلحه به حکومت‌های خاورمیانه پیشتاز بوده‌اند. سلاح‌های فروخته شده از سوی انگلیس، بیشتر شامل سلاح‌های ضد شورش، نظیر مسلسل‌های سبک و گاز اشک‌آور بوده است. طی سال‌های اخیر، قراردادهای نظامی مختلفی چه به‌طور رسمی توسط وزارت دفاع انگلستان و یا غیررسمی توسط شرکت‌های اسلحه‌سازی خصوصی، با کشورهای عربی منعقد شده است (منفرد، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

به نوشته روزنامه گاردین، یک مقام دولت انگلیس فاش کرد، این کشور در زمان ناآرامی‌های سیاسی در بحرین به فروش تسلیحات به منامه ادامه داده است. بر اساس آمار دولتی مربوط به فروش تسلیحات نظامی انگلیس، تسلیحاتی با ارزش بیش از یک میلیون پوند به بحرین فروخته شده است. فروش این تسلیحات در ماه‌های پس از آغاز ناآرامی‌های سیاسی در بحرین صورت گرفته است. همچنین، دولت انگلیس مجوز فروش تسلیحاتی از قبیل: صدا خفه‌کن، اسلحه، توپ و سایر تجهیزات نظامی را به بحرین صادر کرده است (Whitaker, 2014). بحرین در سال ۲۰۱۳، هجده میلیون پوند اسلحه از انگلیس خریداری کرده و سعی دارد جنگنده‌های تایفون را نیز به قیمت یک میلیارد پوند از لندن خریداری کند (رجب، خبرگزاری آریا، ۱۳۹۲).

افزایش خشونت و سرکوب مخالفان در بحرین می‌تواند یکی از نتایج حضور کشورهای خارجی در نظم امنیتی خلیج فارس باشد؛ به طوری که انگلیس در اعتراضات چهار سال گذشته در بحرین بیش از هر کشور غربی در کنار منامه و در مقابل مردم بحرین ماند. انگلیس با اعزام مستشار و تسلیحات لازم برای سرکوب معترضان، کمک مهمی در سازماندهی نیروهای امنیتی بحرینی کرد و درحالی که ارتش عربستان وظیفه حفاظت از مراکز حیاتی بحرین را برعهده گرفت، مستشاران انگلیسی با تقویت و سازماندهی نیروهای امنیتی، مانع از تحرک قابل توجه معترضان شدند و با ورود انگلیس به بازی بود که قدرت

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۴۹

ماشین سرکوب آل خلیفه بر اعتراضات مسالمت‌آمیز بحرینی‌ها چربید (Kinninmont & Sirri, 2014: 13). غانم البوعینین، وزیر مشاور در امور خارجه کابینه بحرین نیز با تهدید خواندن خطر هواداران از این جنبش‌ها، تصریح کرده است حضور نیروهای انگلیسی، این پیام روشن را به کسانی که می‌خواهند امنیت بحرین را به خطر بیندازند می‌رساند که ما هم‌پیمانان وفاداری داریم و در هماهنگی کامل با آنان هستیم. به عقیده ناظران، رژیم بحرین می‌کوشد با تقویت حضور نظامی کشورهای غربی و عربی مانع از سرنگونی خود توسط مردم شود (Bunkall, 2014). درکل، دعوت پادشاه بحرین از سوی ملکه انگلیس برای شرکت در جشن تاجگذاری، فروش تسلیحات به حکومت آل خلیفه برای سرکوب معترضان بحرینی، ارائه مشاوره به مقامات بحرین از سوی فرماندهان پلیس لندن، تلاش برای پررنگ نمودن نقش ایران در اعتراضات مردمی بحرین و عدم امضای سند حقوق بشری سازمان ملل که دولت بحرین را ناقض حقوق بشر معرفی می‌کرد، از جمله اقدامات مقامات انگلیس برای حفظ حکومت پادشاهی بحرین و سرکوب حرکت مدنی مردم بحرین بوده است (Ramadan, 2014).

نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد رفتار انگلستان در بازگشایی مجدد پایگاه دریایی خود در بحرین، در قالب نظریه واقع‌گرایی قابل فهم و ارزیابی است. از یک سو، این نظریه دولت‌ها را به افزایش قدرت و از سوی دیگر، به تأمین امنیت در محیط آنارشی فرا می‌خواند. لذا مقامات انگلیس ضمن توجه به تأمین امنیت صدور انرژی از خلیج فارس به انگلیس، حمایت از متحد دیرین خود؛ یعنی رژیم آل خلیفه در برابر مخالفان داخلی و منطقه‌ای را مدنظر دارند. راه‌اندازی مجدد پایگاه نظامی فوق، همچنین می‌تواند قدرت تحرک نظامی لندن؛ به‌ویژه در حوادث سوریه را بیشتر ساخته، به آنها توان اقدام نظامی علیه داعش را

بدهد. این حضور اگرچه دربردارنده منافع کوتاه‌مدت برای دولت منامه است؛ اما در بلندمدت بر امنیت خاورمیانه و خلیج فارس تأثیر منفی می‌گذارد. تأسیس پایگاه‌های نظامی خارجی در خلیج فارس، منطقه را به سمت امنیت وارداتی و افزایش ناامنی سوق می‌دهد. لذا برخلاف تصور مقامات بحرین نسبت به ایجاد امنیت در منطقه به علت حضور مجدد بریتانیا در خاک این کشور، حضور بریتانیا علاوه بر تحریک شهروندان داخلی نسبت به حضور بیگانگان، معادلات امنیتی منطقه را پیچیده‌تر خواهد ساخت. قطعاً در این فضا بیشترین منافع برای بریتانیا حاصل خواهد شد و این کشور سطح بازیگری خود در تحولات منطقه را افزایش خواهد داد.

منابع

الف - کتاب‌های فارسی

- باقری دولت‌آبادی، علی و محسن شفیعی (۱۳۹۳). *از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌انگاری*، تهران: تیسرا.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، تهران: ابرار معاصر تهران.
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه: رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رئیس طوسی، رضا (۱۳۶۳). *نفت و بحران انرژی*، تهران: کیهان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، چاپ هفتم.
- لی نورجی، مارتین (۱۳۸۳). *چهره جدید امنیت در خاورمیانه*، ترجمه: قدیر نصیری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- منسفیلد، پیت (۱۳۸۵). *تاریخ خاورمیانه*، مترجم: عبدالعلی اسپهبدی، تهران: علمی فرهنگی.
- مورگان، پاتریک و دیوید ای لیک (۱۳۸۲). *مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و نظم‌های منطقه‌ای، نظم‌های منطقه‌ای امنیت‌سازی در جهان نوین*، مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب - مقالات فارسی

- آدمی، علی (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، ش ۶۲، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- آدمی، علی و سید محمدرضا موسوی و حسینعلی توتی (۱۳۹۱). «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، سال چهارم، شماره ۱۰، صص ۱۴۱-۱۶۹.

احمدوند، شجاع. (۱۳۷۲). « ژئوپلیتیک خلیج فارس و تأثیر حضور نظامی ابرقدرت‌ها در منطقه»، سال سوم، ش ۷ و ۸، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، صص ۹۰-۱۱۱.

بایرامی، سمانه. (۱۳۹۰). « چالش ایران و انگلستان بر سر حاکمیت بر بحرین»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هشتم، ش ۳۳، صص ۱۲۷-۱۶۵.

جزء محمدپور، جمشید. (۱۳۸۵). « حضور بریتانیا در خلیج فارس، تاریخ معاصر ایران»، مجله تاریخ معاصر ایران، سال نهم، ش ۳۷، صص ۱۵-۳۶.

ساعی، احمد و مهدی علیخانی. (۱۳۹۲). « بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم، صص ۱۰۳-۱۳۰.

شورمیچ، محمد. (۱۳۸۹). « تحلیلی بر روند قدرت‌گیری انگلیس در خلیج فارس (از اواسط صفویه تا پایان نیمه اول قاجاریه)»، تاریخ در آینه پژوهش، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۸۷-۱۰۴.

شیرازی، حبیب‌اله و مسعود آخوند مهریزی. (۱۳۸۶). « جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۸۷-۲۱۱.

منفرد، سید قاسم. (۱۳۹۰). « رویکرد انگلستان در قبال تحولات خاورمیانه عربی و شمال آفریقا»، گزارش راهبردی ۳۷۱، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، صص ۱-۲۴.

میرزایی، جلال و صیاد صدری. (۱۳۹۳). « کارکرد سازمان دیده‌بان حقوق بشر در قبال تحولات بحرین»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، ش ۹، صص ۱۱۷-۱۳۵.

بازگشایی مجدد پایگاه نیروی دریایی انگلیس در بحرین: بسترها و ضرورت‌ها / ۱۵۳

هاشمی نسب، سعید. (۱۳۸۹). «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره اول، ش ۵، صص ۱۹-۳۸.

ج- سایت‌ها اینترنتی

امیری، علی. (۱۳۹۴). «داعش تهدیدی علیه انگلیس»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، در وب سایت:

<http://www.irna.ir/fa/News/81667788>

پورطالب، روح‌الله. (۱۳۹۳/۱۰/۱۳). «جابجایی بزرگ در خلیج فارس در سکوت»، سایت

تحلیل ایران، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، مشاهده در وب سایت:

www.tahlileiran.ir/a/306.html

رجب، نبیل. (۱۳۹۲). «بحرین با خرید سلاح، انگلیس را ساکت کرد»، خبرگزاری آریا، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، مشاهده در سایت:

<http://tnews.ir/news/19E931065418.html>

زمانی، عباس. (۱۳۹۴). «نخست وزیر انگلیس: داعش تهدید جدی علیه غرب» خبرگزاری آفتاب، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، قابل دسترسی در وب سایت:

<http://aftabnews.ir/fa/news/305345/%D8%AF%D8%B1>

فتحی، جواد. (۱۳۹۳). «انگلیس آماده مقابله با داعش می‌شود/ بالاترین هشدار حملات تروریستی از سال ۲۰۱۱»، خبرگزاری مهر، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، قابل

مشاهده در: <http://www.mehrnews.com/news/2360682>

گراوند، اردشیر. (۱۳۹۴). «وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه؛ رؤیا یا واقعیت»، مجله الکترونیکی ویستا، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، در وب سایت:

<http://vista.ir/article/267568>

مرکز دکترین و تدابیر مشترک انگلستان. (۲۰۰۳). «روندهای راهبردی»، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، در سایت:

[http://www.parliament.uk/parliamentary_committees/Defense HC 1-138/ 1997-](http://www.parliament.uk/parliamentary_committees/Defense_HC_1-138/1997-)

مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک، (۱۳۹۳)، « نقش خلیج فارس و خاورمیانه در صادرات انرژی»، پایگاه اطلاع رسانی عسلویه، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶،

قابل دسترسی در وب سایت: <http://vista.ir/article/206083/%D9%86%>

مرکز حقوق بشر بحرین. (۱۳۹۳). خبرگزاری فارس، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، دسترسی در وب سایت:

<http://sokhanonline.ir/fa/news/68701/%D9%85%D8%B1>

ندیمی، رامین. (۱۳۹۳). « بررسی دلایل بریتانیا برای افزایش حضور نظامی‌اش در خلیج فارس»، خبرگزاری فارس به نقل از مرکز ابرار معاصر تهران، تاریخ آخرین دسترسی

۱۳۹۴/۶/۱۶، در سایت: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn13930925>

نیکو، حمید. (۱۳۹۳). « انگلیس و راهبرد ناامن‌سازی محیط امنیتی»، خبرگزاری فارس، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، دسترسی در وب سایت:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1393091600>

نیول، کوتز. (۱۳۹۳/۱۰/۱۹). گفتگو با فاطمه درخشان، خبرگزاری مهر، تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۴/۶/۱۶، دسترسی در وب سایت:

<http://www.mehrnews.com/news/2440791/%D9%86%D9>

Books:

Jareer, Elass. Amy Myers Jaffe. Keily Miller, (2013), *The Gulf Cooperation Council Natural Gas Conundrum, Geopolitics Drive Shortages amid Plenty*, Baker III Institute for Public Policy, Rice University, London.

Liska, George, (1962), *Nations in Alliance: The Limits of Interdependence*, Baltimore: The Johns Hopkins University Press.

Morgenthau, Hans, (1985), *Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace*, New York: Knopf

Stone. M, (2009), *Security According to Buzau: A Comprehensive Security Analysis*, School of International and Public Affairs, Columbia University of press, New York.

Wight, Martin, (1978), *Power Politics*, New York: Holmes & Maier

Walt, Stephan, (1987), *The Origins of Alliances*, Ithaca: Cornell University Press

Journals:

Al-Haqbani, Nasser, (2015), "enhanced british military presence in region will

- benefit gulf british defense minister”, *Magazine asharQ al-awsat*, <http://www.aawsat.net/2015/03/article55342017>.
- Barnett, Michael and Jack Levy, (1992) “ Alliance Formation, Domestic Political Economy and Third World Security”, *Jerusalem Journal of International Relations*, Vol.14,No.4.
- Charlotte M. Levins, (2013), “The Rentier State and the Survival of Arab Absolute Monarhies”, the Rentier State and Arab Monarchies, *Rutgers Journal of Law & Religion*, Vol. 14. PP 389-423.
- Chick, Ramos, (2014), "Bahrain: Reform, Security, and Policy, Organizational Splits among Ethnopolitical Organizations in the Middle East”, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 58, No. 1, pp. 76-113.
- Kinninmont, Jane and Omar Sirri, (2014), “Bahrain: Civil Society and Political Imagination”, *Middle East and North Africa Programme, Chatham House*, pp 1-36.
- Kazemzadeh, Ahmad, (2014), “UK’s Military Deal with Bahrain, Senior Middle East Analyst”, *Iran Review, Senior Middle East Analyst*, <http://www.iranreview.org/content/Documents/UK-s-Military-Deal-with-Bahrain.htm>.
- Onley, James, (2005), “Britain’s Informal Empire in the Gulf 1820-1971”, *Journal of Social Affairs*, Volume 22, Number 87, pp 29-44.
- Smith Diwan, Kristin, (2012), “Bahrain: Political Development in a Modernizing Society”, *The Middle East Journal*, Volume 66, pp. 370-378.
- Websites:**
- Bunkall, Alistair, (2014), “Britain Beefs up Military Might in Bahrain”, *sky news*, <http://news.sky.com/story/1386798/britain-beefs-up-military-might-in-bahrain>.(2015/9/7)
- Dickinson, Elizabeth, (2015), “Bahrain naval base will give UK stronger Gulf presence High quality global journalism requires investment”, *Bahrain News Agency*, <http://www.ft.com/cms/s/0/3e630b90-7d3c-11e4-b927>. (2015/9/7)
- Etchells, Anthony, (2012). “Middle East challenges to UK foreign policy”, *Bloomberg news*, <http://www.defenceviewpoints.co.uk/article-and-analysis>. (2015/9/7)
- Johnston, Chris, (2014), “Britain to build first permanent Middle East military base in four decades”, *UK news (Al-hayat)*, <http://www.theguardian.com/uk-news/2014/11/06>. (2015/9/7)
- Ramadan, Balqees, (2014), “The results of the Referendum in Bahrain”, The National Independent Committee of Referendum, *Gulf News*, <http://jhro.org/the-results-of-the-referendum-conducted-in-bahrain->

november-21st-22nd-2014. (2015/9/7)
Whitaker, Brian, (2014), “Saudi Arabia and Bahrain: UK arms sales trump human rights”, *guardian news*, <http://www.theguardian.com/world/defence-and-security/jan-bahrain-human-rights-arms-military>. (2015/9/7)